سرمقاله: ورزش عامل صلح جهانی، تقویت روحیه ی ملی و تندرستی

امین، سید حسن

ورزش،فراگیرترین پدیده‏ی اجتماعی جهان در عصر حاضر است.کوفی عنان،دبیر کل سازمان ملل متحد،سال 2005 را«سال‏ جهانی ورزش و تربیت بدنی»اعلام کرده است؛چرا که ورزش و مسابقات ورزشی،سهم به سزایی در تحقق صلح دارد.سردبیر خود برای تشویق تیم فوتبال ایران در بازی‏های بین المللی،در استادیوم‏های خارج از کشور حضور یافته و نقش ورزش را در تعامل‏ بین المللی از نزدیک تجربه کرده است.وقتی ما چند نفر ایرانی،یک‏ سواری دربست کرایه می‏کردیم که به استادیوم برویم،هر مسافرکش بومی یا مهاجر،با ما در طول آن سفر فقط از«علی‏ دایی»صحبت می‏کرد و ما ایرانیان در طول آمد و شد به محیط پرشور استادیوم،فقط به نام بازیکنان تیم فوتبال کشورمان شناخته‏ می‏شدیم.در مسابقات همبستگی اسلامی میان 57 کشور مسلمان‏ در عربستان،احدی نام سفیر دولت ایران در کشور میزبان را نمی‏دانست و حتا کسی به پسر پادشاه عربستان هم که در جایگاه‏ مخصوص نشسته بود،نگاه نمی‏کرد.تماشاچیان فقط به توپ چشم‏ دوخته بودند!ورزش،همه‏ی ملت‏های جهان را به رغم اختلافات‏ اقتصادی،سیاسی،نژاد،رنگ و دین،به هم نزدیک می‏کند.

من از خاصیت جهانی ورزش در ایجاد تفاهم بین المللی‏ در می‏گذرم و به چند نکته‏ی مهم از جهت منافع ایران اشاره می‏کنم:

اول از همه،ورزش می‏تواند زمینه‏ساز«روحیه‏ی ملی»باشد. مقصود ما از روحیه‏ی ملی،احساس وحدت هر شهروند با دیگر افراد ملت و در نتیجه اشتراک در آرمان‏ها یعنی تمایل و گرایش مردم به‏ منافع و مصالح ملی و کشوری،در برابر منافع و مصالح شخصی و گروهی و تیمی‏ست.وقتی که تیم ملی ایران در بازی‏های جهانی به‏ رقابت می‏پردازد،دیگر اختلاف بین تیم‏های داخلی مطرح نمی‏شود. البته چه در ورزش و چه در خارج از دنیای ورزش،ایجاد روحیه‏ی‏ ملی مستلزم اعتماد مردم به سازمان‏ها و دستگاه‏های تصمیم گیرنده‏ است؛یعنی تصمیم‏ها باید مظهر اراده‏ی ملت باشد،تا فردفرد مردم‏ با روحیه‏ی ملی،منافع ملی را بر منافع خصوصی خود ترجیح بدهند.

دوم،این‏که کسی که ورزش کند و جدا به ورزش علاقه‏مند باشد،تندرستی‏اش را قدر می‏داند،بهتر مواظب سلامت خویش است، به مواد مخدر معتاد نمی‏شود و تن به فساد نمی‏دهد.آیا با گسترش و مجانی کردن فضاهای ورزشی و تشویق جوانان به ورزش،چه درصد از جوانان را می‏توانیم از بلای اعتیاد و فساد اخلاقی برای همیشه‏ محفوظ نگه داریم؟آیا هزینه‏ی راه‏اندازی فضاهای ورزشی،از مبارزه‏ با اعتیاد و کشف جرایم مواد مخدر،تعقیب و محاکمه و زندانی کردن‏ معتادان ارزان‏تر نیست؟

سوم،در فرهنگ غرب،واژه‏ی ورزشکاری Sportsmanship جانشین مفهوم شوالیه‏گری و اصل بازی منصفانه Fairplay معادل‏ رعایت اصول جوانمردی و رعایت حق و حقوق بازیکنان رقیب است. ورزش‏کاران و ورزش‏دوستان می‏توانند این اصول را تمرین کنند.در فرهنگ کهن ایرانی نیز،پهلوانی نماد توانمندی‏های جسمی و روحی‏ و شجاعت توأم با درایت و فضیلت بود،و زورخانه،مکتب‏ انسان‏سازی،جوانمردی،اخلاق و ایثار.پوریای ولی نه تنها قهرمان‏ کشتی،بلکه هم‏چنین الگوی نفس‏کشی،فداکاری و گذشت بود.او وقتی ناله‏های زار و مناجات صادقانه‏ی مادر حریف خود را شنید که‏ برای برنده شدن فرزندش دعا می‏کرد،تاب نیاورد دل این مادر آرزومند را بشکند.فردای آن شب،با ایثاری که فقط از یک قدّیس‏ باور کردنی‏ست،آرزوی آن مادر را برآورده کرد و خود خواسته در مسابقه به حریف باخت!آیا این سنّت که ورزشکاری نزد دیگری‏ لنگ می‏انداخت،جز رعایت انصاف،چیز دیگری است؟

در دوران معاصر هم،محبوبیت غلام رضا تختی در میان مردم، بیش‏تر نشانه‏ی احترام باطنی ملت ایران به قهرمانی بود که به‏ حاکمیت وقت«نه»گفت،آن هم به روزگاری که اکثریت در«بله، قربان گویی»مسابقه می‏دادند و دارندگان بالاترین مقامات کشوری، بی‏شرمانه،در قول و عمل«چاکر جان نثار»و«غلام خانه‏زاد» پادشاهی شده بودند که همیشه سر بزنگاه از معرکه می‏گریخت! کسانی هم که پس از پیروزی انقلاب،مملکت به دست‏شان افتاد،نه‏ به آیین جوانمردی و پهلوانی ایرانی رفتار کردند.پهلوان،باید در مقابل زور بایستد،امّا کسی را که تسلیم شده و باخته است،عفو کند. قهرمان انتقام نمی‏گیرد،ضعیف‏کشی نمی‏کند و به مرده لگد نمی‏زند!

انسان با ورزش،از خشونت تخلیه می‏شود،به شوق می‏آید، سرزنده می‏شود و اعتماد به نفس پیدا می‏کند.یکی از بهترین عوامل‏ مبارزه با افسردگی،ورزش است.چه خوب است ایران نیز هماهنگ‏ با سازمان ملل متحد از هم‏اکنون ورزش و تربیت‏بدنی را به مثابه‏ی‏ عامل بزرگ تندرستی،پویایی و صلح و مبارزه با افسردگی،اعتیاد و فساد در سطح ملی و بین المللی ترویج و تقویت کند.

با آرزوی صلح جهانی و سرفرازی ملی.